

پیامد پژوهی اندیشه زرتشتی در بشقاب فلزی ساسانی و سفالینه‌های سلجوقی*

ابوالقاسم دادور^۱، سهیلا نماز علیزاده^{۲*}

استاد گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
آپوهشگر پسادکترای پژوهش هنر، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۲۰، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۳/۲۳)

چکیده

جستار حاضر، مطالعه‌ای تطبیقی میان نمونه‌ای شاخص از بشقاب فلزی ساسانی با سفالینه‌های سلجوقی است که نقش‌مایه‌ای یکسان و نمادین از انسان را در طبیعتی جاویدان به نمایش می‌گذارد. هدف این مقاله، تبیین نسبت مفهومی این نقش‌مایه در دو دوره تاریخی ایران است که زینت‌بخش بشقاب سیمین و زرین ساسانی بوده و در سفالینه‌های سلجوقی نیز تکرار می‌شود. پرسش اصلی بدین شرح است: معناساختی جایگاه انسان که با الگوهای بصری یکسان در بشقاب فلزی ساسانی و سفالینه‌های سلجوقی نمود یافته با کدام حوزه اندیشگانی انسان‌گرایانه ایرانی مناسبت دارد؟ این پژوهش با منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی به بررسی کیفی داده‌ها می‌پردازد. براساس نتایج پژوهش به نظر می‌رسد نقش‌مایه مورد مطالعه که بر محوریت نقش انسان در طبیعتی ماندگار تمرکز دارد، وامدار مفاهیم انسان‌گرایانه زرتشتی است که در ادوار تاریخی ایران پیش از اسلام تجلی داشته و در دوره اسلامی نیز تداوم یافته است. در بشقاب ساسانی و سفالینه‌های سلجوقی، تصویرگری انسان دلالت بر جایگاه استعلایی انسان به‌مثابه باشندگان مینوی دارد که یاریگر امشاسپندان هئوروتات و امرتات در صیانت از آب و گیاه است. هنرمند ساسانی و سفالگر سلجوقی با آفرینش صحنه‌ای ممتاز بر مقام سپنتایی انسان خردورز و پیامد نیک منشی او در محیط پیرامونی تأکید نموده و جاودانگی فرهنگ ایرانی را در طبیعتی سرمدی می‌جویند.

واژه‌های کلیدی

هنر ایران، فلزکاری ساسانی، سفالگری سلجوقی، امشاسپندان

* مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی پسادکترای نگارنده دوم، با عنوان «انسان‌گرایی در سفال سلجوقی» می‌باشد که با راهنمایی نگارنده اول در دانشگاه الزهراء ارائه شده است.

** نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۲۷۱۷۷۴۴۰۰، نمابر: ۰۲۱-۲۶۲۱۴۹۶، E-mail: so.alizadeh@gmail.com.

مقدمه

معنایی مشترک در آنها را دریابد. سعی بر آن بوده است با پاسخگویی به پرسش اصلی جستار، به درک چستی نسبت مفهومی میان حوزه اندیشگانی انسان گرایانه ایرانی با تصویرگری انسان در طبیعتی جاودان در دو دوره تاریخی متفاوت ایران (ساسانی و سلجوقی) دست یابیم. هم‌چنین، با آشکارگی استمرار پنداشت انسان گرایانه ایران باستان در دوره اسلامی، بر خویشکاری مقدس انسان در سیانت از عالم مادی به‌ویژه گیاهان و آب صحنه گذاریم. هدف ما تأکید بر نیک اخلاقی و کُنشگری نیک انسان ایرانی با روح سپنتایی است که علاوه بر مبارزه علیه پلیدی‌های درونی از جمله خشم، کینه، ستم، بی‌عدالتی و دروغ با نثار محبت پاک و مقدس خود به جهان هستی در نابودی نیروهای اهریمنی حاکم بر آن می‌کوشد. محوریت مقام استعلایی انسان ایرانی و پیامد فضایل اخلاقی او در محیط پیرامونی، تفکری انسان‌گرایانه است که در ادوار تاریخی پیش از اسلام تجلی داشته و در دوره اسلامی نیز تداوم یافته است.

آفرینش‌های هنری ممتاز با نمایاندن آرایه‌ها و مضامین شاخص در انتقال معانی و مفاهیم ناب برآمده از انگارها، رازآموزی‌ها و دریافته‌های پدیدآورندگان در باب جهان هستی متقدم بوده‌اند. از این‌رو، بدون شناخت و آگاهی از پنداشت‌ها و باورهایی که مبانی نظری، فلسفی و هستی‌شناسی تمدن‌ها را شکل می‌دهند، نمی‌توان درباره فرهنگ و هنر آنها اظهار نظر نمود. در باور عقیدتی ایران باستان، انسان خردورز با نیک‌پنداری و کُنش نیک به روح سپنتایی می‌پیوندد و به درک راستی، نظم و حقیقت جهان نائل می‌شود. در آیین مزدیسنا، انسانی که به جایگاه والای سپنتایی دست یافته، نه تنها مأمونی در قُرب اهورا دارد، بلکه به‌مثابه هیربدان عالی‌مقام به آموزش شهود و فهم خود از عالم مادی و معنوی به دیگر هم‌نوعان پرداخته و با ترویج درستکاری در جامعه، یاریگر خلق در رشد معنوی است. پژوهش حاضر تلاش نموده به تبیین ارزش‌های نمادین در نمونه‌ای ممتاز از بشقاب سیمین و زراندود ساسانی و دو سفالینه سلجوقی، لایه‌های

روش پژوهش

در این پژوهش، مطالب به طریق اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده و روش تحقیق، تاریخی-تحلیلی است. هم‌چنین، معناشناختی نقش‌مایه دو پیکره نشسته در کنار درخت، برکه آب با ماهی‌های شناور از طریق مطالعه‌ای تطبیقی میان الگوهای بصری و مفهومی یک بشقاب فلزی ساسانی با دو سفال سلجوقی انجام شده است.

پیشینه پژوهش

در رابطه با تحقیقاتی که تاکنون صورت گرفته می‌توان به مقاله‌ای تحت عنوان «استمرار نقش‌مایه‌های ظروف سیمین دوره ساسانی بر نقوش سفالینه‌های دوره سامانی نیشابور» (۱۳۹۱)، نوشته محمود طاووسی و مجید آزادبخت اشاره کرد که در یک مطالعه تطبیقی میان نقوش فلزکاری ساسانی از جمله شکار، نبرد حیوانات، پرندگان، حیوانات و بزم درباری با نقوش سفالینه‌های سامانی، به تأثیرپذیری الگوهای تصویری سفالینه‌های سامانی از فلزکاری ساسانی تأکید می‌شود. مقاله با عنوان «مطالعه نقوش سفال و منسوجات دوره سامانی و آل بویه در تطبیق با هنر ساسانی» (۱۳۹۶)، نوشته محسن مرآئی و حسین شجاعی قادیکالیی علت تأثیرپذیری هنر و منسوجات آل بویه و سامانی از هنر ساسانی را کسب مشروعیت ملی نزد توده مردم می‌داند. ابوالفضل صادقیور با استناد به تحلیل پوپ در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل و بازشناسی نمادگرایانه نقوش مشترک منسوجات ساسانی و آل بویه» (۱۳۹۶)، با استناد بر تحلیل پوپ بر استمرار نقوش دوره ساسانی در منسوجات دوره آل بویه تأکید نموده و بر ارتباط بین مرگ با نماد جاودانگی صحنه می‌گذارد. جستار پیشرو، تلاش دارد با شناخت اشتراکات الگوهای بصری و مفهومی در آثار مورد پژوهش، بر استمرار اندیشه‌ورزی کهن ایرانی مبتنی بر جایگاه ارزشی استعلایی انسان در دو دوره تاریخی متفاوت ایران (ساسانی و سلجوقی) و نقش او در پایندگی ایرانیان در طبیعتی سرمدی تأکید ورزد.

مبانی نظری پژوهش

فلزکاری ساسانی

با پیروزی اردشیر بابکان بر اردوان پنجم، پایه‌های شاهنشاهی اشکانی فرو ریخت و شاهنشاهی ساسانی (۲۲۴-۶۵۱ میلادی) استوار شد. در حکومت ساسانی که آخرین شاهنشاهی ایرانی پیش از حمله اعراب محسوب می‌شود، ایران تحت فرمانروایی یکپارچه و قدرتمند شاهنشاهان ساسانی قرار گرفت. در عصر فرمانروایی ساسانیان، هنر و معماری با حفظ هویت ایرانی، جلوه‌ای از وحدت در عین کثرت را به نمایش گذاشت و انسجام و همگونی آشکاری را در هنر ایران زمین پدید آورد. کاخ‌های سلطنتی، کوشک‌های بین‌راهی، آتشکده‌ها، سنگ‌نگاره‌ها، پل‌ها، موزاییک‌کاری، بافندگی و منسوجات، گچ‌کاری و فلزکاری نمونه‌هایی از شکوه و تنوع هنر ایران در عصر ساسانی است. در میان هنرهای صناعی ایران در عصر ساسانی، ابعاد زیبایی‌شناختی فلزکاری با آفرینش شماری از تنگ‌ها، بشقاب‌ها و ری تون‌ها نمود یافت. مطالعه جنبه‌های فناورانه، ابداع در صنعت، کاربرد نمادین و تمثیلی داستان‌های اسطوره‌ای، محتوای نقش‌ها و جلوه‌های بصری ظروف سیمین و زرین ساسانی حاکی از دستاوردهای نوین هنر فلزکاری ایران در این دوره است. هم‌چنین، بهره‌گیری از مضامین و کهن‌الگوهای ایرانی در ظروف سیمین و زرین ساسانی، بستری مناسب برای احیاء و انتقال اندیشه و هنر ایرانی را در ادوار پس از حمله اعراب فراهم آورد. بدین سبب، آثار سیمین و زرین ساسانی تأثیر بسزایی در هنر دوره اسلامی نهاد و هنرمندان قرون اولیه اسلامی به تبعیت و پیروی از هنر فلزکاری ساسانی آثاری زیبا پدید آوردند. برجسته‌کاری، کنده‌کاری و مطلقاً‌کاری از ویژگی‌های هنر فلزکاری ساسانی است (نفیسی، ۱۳۸۸، ۲۰۰). در آثار سیمین و زرین ساسانی پیکره‌های انسان، نقوش حیوانی، گیاهی و هندسی با زیبایی به تصویر کشیده شده‌اند. ظروف فلزی ساسانی بیش‌تر صحنه‌های شکار، جشن و بزم، نقوش حیوانی مانند شیر بالدار و پرند‌های اساطیری ایران را که اغلب نقشی ترکیبی و افسانه‌ای دارند، به نمایش می‌گذارند (ابن عباسی، مقتدایی، ۱۳۹۰، ۲۱۴). فلزکاری ساسانی حاصل دانش و هنر ایران باستان است.

در عصر ساسانی، آفرینندگان آثار فلزی برای ساخت ظروف نقره و

احساسات و افزایش آرامش در آدمی؛ هتوروتات یا خرداد (کمال) مادینه نگهبان آب و در انسان راهنمای وجدان؛ امرتات یا آمداد (بی‌مرگی) نگهبان گیاهان و در مورد انسان نگهبان جاودانگی (مهر، ۱۳۸۷، ۲۲). به نظر می‌رسد خرداد و آمداد افزون بر محافظت و پاسداری از آب و گیاهان وظایف مهم دیگری را برعهده دارند که همانا یاری‌رساندن به انسان در دوری جستن از پلیدی‌ها برای کسب سعادت و کمال و در نهایت، جاودانگی است.

بر اساس اوستای متأخر، با پیوستگی اهورامزدا به سپند مینوا، یک‌سو و دخول امشاسپندان به ذات اهورایی از دیگرسو، هفت‌گانه مقدس پدید می‌آید که ارتباطی نزدیک با دنیای مادی دارند. مینوها نیز روان‌های قائم به ذاتی هستند که اگر انسان بخواهد می‌تواند به آنها پیوندد و در راستای خویشکاری آنها عمل کند. امشاسپندان نیز می‌توانند به درون هر موجود میرایی نزول اجلال کنند و منزل را اگر مناسب نبود، رها کنند (بویس، ۱۳۹۳، ۱۰۲). این تفکر بر حریت و آزادگی انسان دلالت دارد. به عبارتی، انسان همان‌طور که در گزینش نیکی‌ها و پلیدی‌ها آزاد است در انجام امور خیر و بد نیز مختار است. انسان با اراده و آزادمنشی می‌تواند خیر را برگزیده و با انجام اعمال نیک به مقام باشندگان مینوی ارتقاء یابد و یاریگر امشاسپندان در انجام وظایف مربوط به عالم خاکی گردد. در آیین زرتشتی، صیانت از عالم مادی به‌مثابه کنش نیک انسان تلقی می‌شود و عامل کسب مقام استعلایی انسان و جای گرفتن در قُرب اهورایی است.

در اوستا، عالم خاکی و موجودات آن مورد توجه است. در یشت ۱۲، آرت یشت و یشت ۱۷، از درخت هوم سفید یا گوکرتنه نام می‌برد که انسان اکسیر جاودانگی را از آن دریافت می‌کند و پرنده افسانه‌ای سئین یا سیمرغ بر روی آن آشیانه دارد. از این‌رو، بر اهمیت درخت تأکید می‌کند و بر آن ارجح می‌نهد. در باور زرتشتی، شر همواره می‌کوشد تا گیاه مقدس هوم را از بین ببرد ولی با مقابله ماهی‌های گر مواجه می‌شود. ماهی‌های مینوی گر که در دریا شنا می‌کنند مانع از آسیب‌های نیروهای اهریمنی به درخت می‌شوند (هینلز، ۱۳۹۱، ۲۸).

افزون بر آن، آمداد نیز به‌منظور حفاظت از گیاه به مقابله با شر می‌رود. او گیاه را کوبیده و آن را با آب باران می‌آمیزد تا به زمین باریده شوند و هزاران گونه‌های مختلف گیاهان در زمین پدیدار شوند. آمداد با محافظت از گیاهان در برابر بیماری‌ها نیز موجب می‌شود تا هزاران نوع مختلف از تخم گیاه بروند. او با گردآوری تخم‌ها، درخت همه تخمه را میان دریای فرخرد می‌آفریند تا پرنده افسانه‌ای سیمرغ بر روی شاخه‌های آن لانه سازد. با پرواز سیمرغ، تخم‌ها به زمین آمده و انواع گیاهان، درختان و گل‌های زیبا پدیدار می‌شوند (بهار، ۱۳۸۹، ۱۲۴).

سروده‌های زرتشتی با ستایش آب‌های پاک و گیاهان، به انسان‌ها درباره پاک نگه‌داشتن آنها از هرگونه آلودگی سفارش می‌کند (یسنا، هات ۳). اما، با پژوهش در آیین مزدیسنا درمی‌یابیم که بنیان اخلاق زرتشتی بر اختیار انسان استوار است. انسان با اراده آزاد خود می‌تواند با پیوستن به شر از یاران اهریمن شود و رذایل اخلاقی را در درون خود نهادینه کند و سرانجام، تیره‌روزی و تباهی فردی و جمعی را ببار آورد. از سویی دیگر با گام نهادن در راستای خیر، فضایل اخلاقی (عدل، مهربانی، درستکاری، پارسایی، راست‌گویی) را ملکه وجودی خود کند و سرانجام، سعادت، کمال و جاودانگی را برای خود، جامعه و گیتی به ارمغان آورد. در تفکر

زراندود و تزئینات آنها، روش‌های نوینی را بکار بردند. در روش سرد، قطعات منفصل را با لایه‌ای از طلا می‌پوشاندند و سپس، قطعات منفصل را به هم متصل می‌کردند. در روش گرم نیز نخست، تصویر مورد نظر را با روش برجسته‌کاری ترسیم کرده و با پوشاندن قشری نازک از طلا بر روی آن، به روش ریخته‌گری اثری دوجداره می‌ساختند. در روش ترصیع نیز بخش‌هایی از سطح ظرف را با مشبک‌کاری جدا کرده و با جایگزینی قطعات گرانبها هم‌چون یاقوت و دیگر سنگ‌های قیمتی در آن، به آثار جلوه‌ای زیبا و باشکوه می‌بخشیدند (بن عباسی، مقتدایی، ۱۳۹۰، ۲۱۶). قدرت، حرکت، هیجان، تلفیق نقوش پر نیرو با نقوش تزئینی از ویژگی‌های مهم ظروف نقره‌ای ساسانی است (گیرشمن، ۱۳۹۴، ۶۹). تصویر (۱) نمونه‌ای شاخص از ظروف سیمین و زرین ساسانی است که جلوه‌ای از اندیشه، هویت و هنر ایرانی را به رخ می‌کشد.

تصویر (۱) ظرف سیمین و زرین و متعلق به دوره ساسانی است که به روش برجسته‌کاری ساخته شده و پس از قلم‌زنی لایه‌ای نازک از طلا به روی آن نشانده شده است. همان‌گونه که در تصویر مشاهده می‌شود، اثر دارای ترکیب‌بندی متقارن بوده و تصویر از طریق نقش درخت به دو بخش مساوی تقسیم می‌شود. درخت نیز دو شاخه دارد که در زیر هر شاخه پیکره‌ای نشسته است. نکته شایان توجه این است که هر دو پیکره هم‌اندازه بوده و هیچ‌یک بر دیگری برتری ندارد. پیکره‌ها با کمرهای باریک و بدون برجستگی‌های بدن نشان داده شده‌اند. چهره‌ها فاقد ریش بوده و تشخیص مرد و زن بودن آنها دشوار است. در این تصویر، هاله به دور سر احتمالاً دلالت بر تقدس پیکره‌ها دارد. در دست پیکره سمت راست، شاخه‌ای (احتمالاً برس) دیده می‌شود که می‌خواهد به فرد مقابلش پیشکش کند. فرد مقابل هم با دست راستش، پیاله‌ای (احتمالاً حاوی افشره هوم) را گرفته که به فرد مقابلش تقدیم می‌کند. در پایین تصویر، برکه آب با ماهی‌ها ترسیم شده است. در بالای تصویر نیز دو پیکره حضور دارند که نظاره‌گر صحنه‌اند و صحنه با پرندگان بر روی شاخه‌های پیچان تزئین شده است. به نظر می‌رسد چین‌های لباس متأثر از هنر رومی است. هم‌چنین، صلابت و استواری پیکره‌ها نیز یادآور هنر هخامنشی است. این اثر، بیانی نمادین و تمثیلی دارد و به‌نظر می‌رسد تحلیل الگوهای مفهومی آن، مستلزم شناخت مبانی نظری زرتشتی در باره انسان است.

بر اساس باور زرتشتی، سپند مینو مظهر آفرینندگی اهورامزداست. امشاسپندان نیز جلوه‌هایی اهورایی محسوب می‌شوند که افزون بر گستراندن نظم در جهان از عالم مادی و موجودات نیز حفاظت می‌کنند. و هومنه نگهبان گله و جانوران سودمند و در مورد آدمی نگاه‌دارنده سلامت اندیشه؛ آردیبهشت نگهبان آتش؛ شهریور نگهبان فلزات؛ اسپند راهنمای



تصویر ۱- بشقاب سیمین و زرین ساسانی، مأخذ: (URL1)

که قوانین اسلامی ساخت آثار تزئینی از طلا و نقره را منع می‌کرد، توجه ایرانیان بیشتر به ساخت آثار سفالی معطوف شد (توحیدی، ۱۳۹۳، ۲۵۷). در سده‌های پنجم و به‌ویژه ششم هجری قمری/ یازده و دوازده میلادی که مقارن با فرمانروایی سلاطین سلجوقی در ایران بود، با تحول در سفال و سفالگری سلجوقی، عصر طلایی سفال ایران پدید آمد. در این راستا، مقام سفالگر در جامعه ترفیع یافت در نتیجه، سفالگر توانست نام و تاریخ خلق اثرش را بر سفال خود بنگارد و بدین طریق در ارتقاء مقام انسان و هنر ایرانی بکوشد. از طرفی، بهبود فنون ساخت و شیوه نگارگری از یک‌سو و ظرافت، مهارت و تنوع آثار سفالی از دیگر سو، موجبات پیشرفت سفالگری سلجوقی را فراهم آورد. نقاشی با تکنیکی ظریف بر روی سفال جلا دار و مینایی انجام گرفت و علی‌رغم محدودیت‌های صورت‌گیری انسان، بر شخصیت‌های انسانی توجهی خاص مبذول شد (تالبوت رایس، ۱۳۸۶، ۷۴). تصاویر (۲) و (۳) نمونه‌هایی زیبا از سفالینه‌های سلجوقی هستند که ماهرویان را در طبیعتی دلنواز به تصویر می‌کشند.

تصویر (۲)، سفال سلجوقی به قطر ۲۰ سانتی‌متر، نقاشی روی لعاب و ساخت ساوه است. در این تصویر، دو پیکره انسانی به‌صورت متقارن در کنار درخت سروی نشسته‌اند. درخت سرو در بالا سر به آسمان دارد و در پایین، دارای شاخه‌هایی با برگ‌های کوچک زَرین است که در اطراف پراکنده شده‌اند. چهره‌ها به سبک هنر سلجوقی با صورت‌های گرد، چشمان بادامی، ابروهای کمانی، بینی کشیده و لب‌های غنچه ترسیم شده‌اند. هر دو پیکره دارای لباس‌های فاخر، موهای بلند، بازوبند، سریند، گوشواره و هاله به دور سر هستند. نکته شایان توجه این است که تشخیص مرد و زن بودن چهره‌ها دشوار است و احتمالاً برای سفالگر سلجوقی آنچه اهمیت یافته همانا سرشت انسانی است. بهره‌گیری از سطوح تخت منقوش، فقدان خط افق، دورگیری خطی و رنگ‌های درخشان از دیگر ویژگی‌های بصری این تصویر بشمار می‌آیند.

بنا به الگوهای بصری تصویر (۲)، در دست راست پیکره‌ای که با گوشواره گرد، سریند آبی و لباس بنفش مزین به نقوش زرد تصویر شده، شاخه گلی دیده می‌شود و در دست چپ او، ترکه یا شاخه‌ای نازک از درخت (احتمالاً برسم) که به‌نظر می‌رسد می‌خواهد به فردی که در روبروی او نشسته پیشکش کند. فردی که با جامه زردرنگ نقاشی شده، پیاله‌ای کوچک در دست راست (احتمالاً افشیره هوم) دارد و دست دیگر خود را دراز کرده تا احتمالاً برگ زَرین یا شاخه (احتمالاً برسم) را دریافت نماید. در بالای تصویر، دو پرند در دو طرف درخت در حال پروازند و در پایین تصویر، برکه‌ای دیده می‌شود که درون آن، یک ماهی بزرگ با ماهی‌های کوچک در شکم و یک ماهی زردرنگ به تصویر کشیده شده‌اند.

تصویر (۳)، کاسه سلجوقی با نقاشی سیاه روی لعاب آبی و متعلق به سده ششم هجری قمری/ دوازدهم میلادی است. قطر آن، ۲۰ سانتی‌متر و ساخت کاشان است. این تصویر نیز دو پیکره را نشان می‌دهد که در دو طرف درخت سروی نشسته‌اند. پیکره سمت چپ، لباسی مزین به نقوش حلقوی بر تن دارد که با دست راست یک پیاله و با دست چپ، پرنده‌ای را گرفته که در حال تماشا کردن ماهی‌های درون برکه است. فردی که در مقابل او نشسته لباسی مزین به نقوش گیاهی بر تن دارد و در دست چپ او، شاخه‌ای با برگ‌های کوچک دیده می‌شود. دو طرف صحنه با دو شاخه و برگ‌های کوچک تزئین شده که در تناسب با فضای مدور سفالینه است.

انسان‌گرایانه زرتشتی، آدمی نخست با قوه عقل خود پلیدی را از نیکی‌ها تشخیص می‌دهد و سپس، با آزادی اراده یکی را برمی‌گزیند. در نتیجه، روان و اندیشه انسان با تصمیم‌گیری او به اهریمن می‌پیوندد و با ردایل اخلاقی از جمله خشم و کینه‌توزی، دروغ و بیداد، پشتیبانی از فرمانروایان ستمگر، بی‌قانونی و تبعیض، برخلاف قانون اِشا عمل می‌کند (مهر، ۱۳۸۷، ۶۶). گریختن فرّه جمشید از او دلالت بر تصمیم جمشید در گزینش کبر و غرور دارد. برای زرتشتیان فقط اندیشیدن به افکار خوب و گفتن کلمات خوب کافی نیست، بلکه انسان باید فعالانه برای مبارزه با نیروهای اهریمنی و جهل تلاش کند (Hartz, 2009, 17). به عقیده زرتشت، مبارزه اخلاقی نخست باید در درون انسان صورت گیرد. انسان با تسلط بر نفس خود و چیرگی بر بدی‌های درون، می‌تواند به آموزش و تعلیم دیگران نیز بپردازد (مهر، ۱۳۸۷، ۶۹). از این‌رو، انسان سعادت‌مند که به درک مفاهیم بنیادین گیتی نائل شده علاوه بر یاری‌رساندن به فره‌های اهورایی قادر است پنداشت‌های خود را به دیگر هم‌نوعان انتقال دهد و در راهنمایی آنها بکوشد. انسان سپنتایی نه‌تنها در بقاء عالم مادی می‌شتابد، بلکه در پایایی فضیلت‌های انسانی در جامعه نیز نقش بسزایی ایفا می‌کند. به عبارتی، مبانی انسان‌شناختی زرتشتی بر عقل، تصمیم‌گیری، اراده، آزادی، حق انتخاب، کُنشگری، آموزش و تعلیم نهاده شده است. در آیین مزدیسنا، زنان هم‌تای مردان در انجام کارهای نیک بوده و از میان آنها هر کس که در این راه پیشی بگیرد، برتر است. برای زرتشتیان مهم‌ترین وظیفه دینی، دستیابی به اخلاق خوب است. زرتشتی بودن به معنای احترام و ارج نهادن به فضیلت‌هایی هم‌چون خردمندی، دادگری، مهربانی، عشق به خانواده، احترام به دیگران و جامعه، حفظ محیط زیست، حمایت از حیوانات، سخت‌کوشی، مهمان‌نوازی و سخاوت است (Hartz, 2009, 88). در مقابل ویژگی‌هایی هم‌چون جهل، نادانی، خشم، دروغ‌گویی، ظلم، شرارت، بی‌عدالتی و استعمار از جمله ردایل اخلاقی است (Rustom, 1954, 98). به‌نظر می‌رسد هنرمند ساسانی با تصویرگری انسان در بشقاب سیمین و زرین به‌مثابه هیربدان عالی‌مقام، عمل مقدس آموزش را بر عهده دارد و به مخاطب در فهم جایگاه متعالی انسان ایرانی یاری می‌رساند. هنرمند ساسانی براساس نحوه ادراک‌ش از اندیشه کهن زرتشتی مبتنی بر نیک‌پنداری و نیک‌کُنشی انسان تمرکز نموده و نقش بسزایی در تعلیم هم‌نوعان و احیا و انتقال باورهای کهن ایرانی ایفا می‌کند.

سفالگری سلجوقی

ایرانیان با پذیرش دین اسلام به ساده‌زیستی گرایش یافتند. از آنجا



تصویر ۲- کاسه سلجوقی، نقاشی روی لعاب، ساوه، مأخذ: (پوپ، ۱۳۹۴، جلد ۹، ۶۹۳)

سرو را داشت (تفضلی و آموزگار، ۱۳۸۴، ۱۶۰). ایرانیان باستان زرتشتیان در مراسم مذهبی و اعیاد دینی، شاخه‌های سرو را به‌عنوان نماد نامیرایی و جاودانگی به‌کار می‌بردند (بویس، ۱۳۷۵، ۱۵۷). نقش درخت سرو را می‌توان بر دیواره‌های تخت جمشید نیز یافت. برخی بر این عقیده‌اند که سرو برای ایرانیان نماد آزادی و آزادی، شادی و خرمی و نماد مقاومت در برابر طوفان بوده است. برخی نیز آن را نماد اهورامزدا دانسته‌اند (حبیب‌الله، ۱۳۷۷، ۳۲). در اندیشه ایران باستان، پاسداری و نگاهداری از درخت سرو از جمله وظایف هئوروات و آمرداد محسوب می‌شد. افزون بر آن، پاسداران درخت سرو نیز نماد جاودانگی بوده و بهشت را به کمال یافتگان و رستگاران نوید می‌دادند (پوپ، ۱۳۹۴، ج. ۲، ۱۰۸۵). در دوره اسلامی درخت زندگی یا کیهانی که به درخت طوبی مشهور بود با درخت سرو بازنمایی شد که نشانه بهشتی بودن درخت سرو است (استرلین، ۱۳۷۷، ۱۷۴). واژه طوبی در قرآن (آیه ۲۹ سوره رعد) به معنای زندگی پاک و فرخبخش و بهترین سرانجام برای کسانی است که ایمان می‌آورند و عمل صالح انجام می‌دهند. در اندیشه علامه طباطبایی نیز طوبی درختی بهشتی است که ریشه‌اش در منزل رسول خدا است و در خانه هر یک از مؤمنین نیز شاخه‌ای از آن وجود دارد (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۱۱، ۴۸۹). در ایران اسلامی نیز تقدس درخت سرو به‌عنوان موجودی زمینی در ارتباط با عالم مینوی و روحانی معنا یافت و بر اهمیت آن تأکید شد (جدول ۱).



تصویر ۴- نقش درخت سرو با پرند، کاشان، مأخذ: (پوپ، ۱۳۹۴، جلد ۴، ۱۸۲۵)

در دو سفالینه سلجوقی (تصاویر ۲ و ۳) تشخیص مرد و زن بودن پیکره‌ها دشوار است و احتمالاً پیکره‌ای که سریندش به شکل کلاه ترسیم شده، مرد است. تقارن و تعادل میان فضای مثبت و منفی و عناصر تصویری از ویژگی‌های این آثار محسوب می‌شوند. دورگیری خطی نیز به رسم هنر این دوره هویداست. همان‌گونه که در تصویر (۳) مشاهده می‌شود، درخت سروی که سر به آسمان دارد در بالا به دو بخش تقسیم شده و در مرکز درخت، تصویر پرندهای به‌صورت سایه‌نمای دیده می‌شود. درخت سرو با نقش سایه‌نمای از یک پرند، یکی از ویژگی‌های مهم سفال کاشان است که در عصر سلجوقی رواج یافت (پوپ، ۱۳۹۴، ج. ۴، ۱۸۲۶). به‌نظر می‌رسد سفالگر سلجوقی شکل ظاهری درخت سرو را با طبیعت مطابقت داده و با به‌کاربردن نماد پرند در پی القای معانی و مفاهیمی خاص است. به‌نظر می‌رسد پرندهای که در میان درخت سرو نشان داده شده است به پرند افسانه‌ای سیمرغ دلالت دارد. تصویر (۴) دو نمونه از نقش درخت سرو را در سفالینه‌های کاشان به نمایش می‌گذارد که همانند تصویر (۳) در بالای تصویر به دو بخش تقسیم شده و در مرکز آن پرندهای ترسیم شده است.

درخت سرو به سبب سبزبودن همیشگی در میان بسیاری از اقوام و ملل، نماد نامیرایی و جاودانگی است (هال، ۱۳۸۰، ۲۹۳). در اندیشه ایران باستان درخت سرو مقدس است. در متون زرتشتی آمده است، پس از آنکه زرتشت به پیامبری مبعوث شد با خود، اوستا، آتش برزین مهر و درخت



تصویر ۳- کاسه سلجوقی، سده ۶ه.ق/۱۲م، کاشان، مأخذ: (پوپ، ۱۳۹۴، جلد ۹، ۶۹۱)

جدول ۱. مطالعه تطبیقی بشقاب ساسانی با دو سفال سلجوقی با نقش دو پیکره نشسته در کنار درخت و برکه آب

<p>جنس سیمین و زرین، کاربردی و تزئینی، مفهومی و تعلیمی، بیان نمادین و تمثیلی، تشخیص مرد و زن بودن پیکره‌ها دشوار است، ابعاد پیکره‌ها یکسان و در یک راستاست و هیچ‌کدام بر دیگری برتری ندارند، اثر متناسب با اشرافیت امپراتوری ساسانی است، اثر متأثر از هنر روم و هخامنشی است، در تناسب با تفکر انسان‌گرایانه زرتشتی است، به امشاسپندان خرداد و مرداد اشاره دارد، اثر دلالت بر جایگاه ارزشی انسان نیک‌منش و خردمند ایرانی دارد که در صیانت از آب و درخت می‌کوشد.</p>	<p>بشقاب سیمین و زرین ساسانی</p> 
<p>جنس سفال، کاربردی و تزئینی، مفهومی و تعلیمی، بیان نمادین و تمثیلی، تشخیص مرد و زن بودن پیکره‌ها دشوار است، ابعاد پیکره‌ها یکسان و در یک راستا بوده و هیچ‌کدام بر دیگری برتری ندارند، آثار متأثر از هنر سلجوقی است (چشمان بادامی، ابروهای کمان، بینی باریک، لب غنچه، هاله به دور سروصورت گرد همچون قرص ماه)، الگوهای بصری در تناسب با فضای اسلامی ترسیم شده‌اند، به نظر می‌رسد الگوهای بصری و مفهومی آثار با تفکر انسان‌گرایانه زرتشتی پیوند داشته و بر امشاسپندان خرداد و مرداد دلالت دارند، آثار به مقام استعلایی انسان (زن و مرد) در صیانت از طبیعت اشاره دارند.</p>	<p>بشقاب سفالی سلجوقی</p> 

نتیجه

اسلامی و عصر سلجوقی نیز استمرار یافته و در سفالینه‌های سلجوقی نمایان می‌شود. از منظر هنرمند ساسانی و سفالگر سلجوقی صیانت از طبیعت، آب و درخت به‌مثابه اکسیر جاودانگی برای انسان خردورز ایرانی تلقی می‌شود. برای آنها، تصویرگری سطوح ظروف فلزی و سفالی به‌مثابه وظیفه هیربدان عالی‌مقام، امری مقدس است و مخاطبان را به تفکر در باب اندیشه کهن ایرانی در باب مقام استعلایی انسان و صیانت از گیاهان و آب ترغیب می‌کند. هنرمندان ایرانی در دو دوره تاریخی متفاوت (ساسانی و سلجوقی) نه تنها در بقاء عالم مادی کوشیدند، بلکه در پایایی فضیلت‌های انسانی در جامعه ایرانی نقش بسزایی ایفا کردند.

مطالعات این پژوهش نشان داد که درک ارزش‌های محتوایی بشقاب سیمین و زرین ساسانی و سفالینه‌های سلجوقی با شناخت آیین زرتشتی مناسبت دارد. در اندیشه زرتشتی، سپنتا خصلتی اهورایی است و انسان خردورز نیز می‌تواند با نیک پنداری و کُنش نیکو به روح سپنتایی بیبندد. در آیین مزدیسنا، روح سپنتایی همانا مهرورزی عاری از هرگونه پلیدی است که انسان پارسا و نیک منش نسبت به جهان هستی، طبیعت، آب و گیاهان روا می‌دارد. در باور عقیدتی زرتشتی، برتری از آن زن و مرد نیک اخلاقی است که در نثار محبت مقدس و پاک به محیط پیرامونی پیشتاز باشد. تفکری انسان‌گرایانه که در دوره ساسانی تجلی داشته، در دوره

فهرست منابع

موسوی همدانی، چاپ چهارم، ج. ۱۱، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی. گبرشمن، رومن (۱۳۹۴)، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران: نگاه. مهر، فرهنگ (۱۳۸۷)، *دیدنی‌نواز دینی کهن (فلسفه زرتشت)*، چاپ هفتم، تهران: انتشارات جامی. نفیسی، سعید (۱۳۸۸)، *تاریخ تمدن ایران ساسانی*، تهران: نشر پارسه. هال، جیمز (۱۳۸۰)، *فرهنگ نگاره‌های نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. هینلز، جان (۱۳۹۱)، *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: نشر چشمه.

Rustom Masani. (1954), *The Religion of the Good Life Zoroastrianism*, With a Foreword by the Rev. John McKenzie, second impression, printed in Britain by Bradford & Dickens Drayton House.

Hartz, Paula, R. (2009), *World Religions Zoroastrianism Third Edition by Series Editors: Joanne O'Brien and Martin Palmer*.

URL 1: <https://www.fitzmuseum.cam.ac.uk>, (access date: 2018/11/2)

ابن عباسی، ادریس؛ مقتدائی، علی اصغر (۱۳۹۰)، *هنرهای دستی و سیر تحول آن در ایران*، تهران: جمال هنر. استرلین، هانری (۱۳۷۷)، *اصفهان تصویر بهشت*، ترجمه جمشید ارجمند، تهران: فرزانه روز. بهار، مهرداد (۱۳۸۹)، *پژوهشی در اساطیر ایران*، تهران: انتشارات آگاه. بویس، مری (۱۳۹۳)، *تاریخ کیش زرتشت*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: نشر گستره. پوپ، آرتور؛ اکرم، فیلیس (۱۳۹۴)، *سیری در هنر ایران*، جلد ۴ و ۹، ترجمه سیروس پرهام، تهران: انتشارات علمی فرهنگی. توحیدی، فائق (۱۳۹۳)، *فن و هنر سفالگری*، تهران: انتشارات سمت. تفضلی، احمد (۱۳۷۸)، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، چاپ سوم، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: نشر سخن. حبیب‌الله، عبدالله (۱۳۷۷)، *تخت جمشید از نگاهی دیگر*، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی. رایس، دیوید تالبوت (۱۳۸۷)، *هنر اسلامی*، ترجمه ماه‌ملک بهار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۰)، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر

The Implications of Zoroastrian Thought on Sassanid Metal Dish and Seljuk Potteries*

Abolghasem Dadvar¹, Soheila Namazalizadeh^{**2}

¹Professor, Department of Art Research Faculty of Art, Alzahra University, Tehran, Iran.

²Postdoctoral Researcher of Art Research, Department of Art Research, Faculty of Art, Alzahra University, Tehran, Iran.

(Received: 12 Oct 2021, Accepted: 13 Jun 2022)

According to the studies, without identifying the ideas and beliefs that form the epistemological structure and worldview of civilizations, understanding the culture and artifacts will be hard. Zoroastrianism or Mazdayasna is one of the world's oldest continuously practiced religions, based on the teachings of the Iranian prophet Zoroaster. Zoroastrianism has a dualistic cosmology of good and evil and an eschatology which predicts the ultimate conquest of evil by good. Zoroastrianism exalts an uncreated and benevolent deity of wisdom, Ahura Mazda (Wise Lord), as its supreme being. In Zoroastrian tradition, there are the first seven emanations called Amesha Spentas, through whom all subsequent creation was accomplished. Haurvatat (Wholeness- Water guardian- Guardian of human conscience), Ameretat (Guardian of plants and human Immortality) are known as two examples of them. The doctrine of the Amesha Spenta, through their connection with creation, unites ethereal and spiritual concepts with material and manifest objects in a "uniquely Zoroastrian" way: not only as abstract "aspects" of Ahura Mazda but also worthy of reverence themselves and personified or represented in all material things. In the Gathas, each Amesha Spenta represents a good moral quality that mortals should strive to obtain. Thus, the doctrine of the great seven is that through good thoughts, words, and deeds, each individual should endeavor to assimilate the qualities of an Amesha Spenta into oneself. Throughout history of Iran, Iranian people have used some different motifs in their art crafts based on their thoughts and interpret about universe. Handicrafts in Iran have a history of several thousand years and are the most significant and original manifestations of ancient history which are related to Iranian thoughts and belief. This article is a comparative study between the motif of an excellent old Sassanid metal dish and the pictures of two Seljuk potteries - a similar scene is represented in all of them (two figures sitting next to a tree and a pond with fish). The purpose of this article is to analyze the similar visual and conceptual patterns in the two different historical periods of Iran (pre-

Islamic and post-Islamic). The present article tries to answer this question: what is the most important Iranian thought that caused to create the similar visual patterns in Sassanid metal dish and Seljuk potteries? The research method is descriptive-analytical, applied to desk-based data. It seems that the visual and conceptual patterns of Sassanid metal dish and Seljuk potteries are related to the Amesha Spenta (Haurvatat and Ameretat) in Zoroastrianism. In Zoroastrian ritual, Amesha Spenta Haurvatat, who protects water, is considered as the guide of human conscience to avoid evils. Amesha Spenta Ameretat is responsible for plants and the immortality of Iranian wise humans. The results of this research show Sassanid artist and Seljuk potter by creating a unique scene of human, water, tree and nature emphasize on the spirit of Spenta hidden in Iranian wise human. According to Zoroastrian humanism, Iranian wise human with good thoughts and good deeds protects water and trees and causes the permanence of Iranian culture in a sustainable nature.

Keywords

Iranian Art, Sassanid Metalwork, Seljuk Pottery, Amesha Spenta.

*This article is extracted from the second author's postdoctoral research, entitled: "Humanism in Seljuk Pottery" under the supervision of first author at the Alzahra University.

**Corresponding Author: Tel: (+980912) 7177440, Fax: (+98-21) 2621496, E-mail: so.alizadeh@gmail.com